

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوست من، ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت فرا رسیدن ولادت امام مهربان‌مان، حضرت حجت بن حسن عسکری علیه‌السلام، و نیز تبریک مجدد از فرصت مجدد برای خدمت‌گزاری جنابعالی در پیشگاه وجود مقدس ایشان، در ادامه به روایات و نکات کوتاهی اشاره شده است که در مقام مجری مراسم، به صورت میان‌برنامه می‌توانید به ذکر آن بپردازید. لازم به تذکر است در اختیار قرار گرفتن این مجموعه کوتاه، مانع به کارگیری خلاقیت و ظرافت‌های شخصی شما در مدیریت فضا نیست و در نهایت این درایت شماس است که به هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم کمک می‌نماید. در پایان نیز ضمن آرزوی توفیق الهی و همراهی دعای خیر امام عصر علیه‌السلام برای شما، نکاتی چند را یادآور می‌شویم:

۱. ظاهری آراسته، برازنده‌ی خدمت‌گزاران امام عصر است.
۲. پیش از اجرای مراسم، نیت فرمایید و برای اجرای هرچه بهتر و مطابق‌تر با نظر امام عصر، از ایشان درخواست یاری فرمایید.
۳. مراسم را در پیشگاه مدعوین، با نام خدا و دعا برای سلامتی امام عصر آغاز نموده و هر فرصتی را در این جمع، برای دعای تعجیل در فرج امام، مغتنم شمارید.

موفق و پیروز باشید.

نیمه شعبان ۱۳۹۹

روایت اول: احوالات روزگار غیبت

راوی روایت گوید: از امام محمدبن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود:

امام پس از من، پسر من علی است. فرمان او فرمان من و سخن او سخن من و اطاعت او اطاعت من است. و امام پس از او، پسرش حسن است. فرمان او نیز فرمان پدرش و سخنش سخن پدر و اطاعتش، اطاعت پدر اوست. امام جواد این را فرمود و سکوت کرد. من از آن حضرت پرسیدم: امام پس از حسن [علیه السلام] کیست؟ در پی این پسرش امام، سخت گریست و سپس فرمود: همانا پس از حسن، پسرش، قائم به حق و امام منتظر خواهد بود. من دوباره پرسیدم: ای پسر پیامبر، از چهره او را قائم نامیده اند؟ امام فرمود: از آن رو که آن حضرت پس از آنکه نام و یادش مُرد و از میان رفت و بسیاری از آنان که به امامتش معتقد بودند، از آن اعتقاد روی برگرداندند، به ناگاه قیام می کند. باز هم پرسیدم: چرا او را منتظر نامیده اند؟ امام در این باره چنین توضیح داد: برای امام زمان [علیه السلام] غیبتی است که روزگارش به درازا می کشد و دورانش به طول می انجامد. در آن ایام غیبت و حیرت، این حوادث رخ می دهد:

- پاک باختگان، دیده به راه ظهورش می دوزند.
- تردیدکنندگان، منکرش می شوند.
- انکارکنندگان، وجودش را به مسخره می گیرند.
- آنان که برای ظهور، زمان معین می کنند، دروغ می گویند.
- شتابزدگان، هلاک می شوند.
- تسلیم شدگان، نجات می یابند.

روایت دوم: منزلت امام و شیعیان ایشان

بِیْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى درست است و شکی در آن نیست. اما نقش بندگان صالح امام زمانی در جلب روزی و سلامت چگونه است؟ حضرت امام باقر علیه السلام می فرماید: همانا خداوند به واسطه یک مؤمن، نابودی را از یک قریه برمی دارد. [اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۷] جابر بن عبدالله انصاری می گوید: در حجة الوداع خدمت رسول خدا بودم و وقتی پیامبر از اعمال حج فارغ شدند، برای وداع به کعبه نزدیک شده دست به حلقه در زد و با صدایی بلند مطالب مشروح و مفصلی را برای بیان داشت، از آن جمله فرمود: روزی نیست که خداوند به مردم نفرماید، آیا از رحمت من مغرور گشته و جرأت پیدا کردید؟ و گمان می کنید که من شما را عبث و بی فایده خلق کردم و شما به سوی من بازگشت نمی کنید؟ به عزت و جلالم سوگند که اگر بخاطر بندگان خوب و مخلص من نبود لحظه ای به گناهکاران مهلت نمی دادم و اگر تقوا و پرهیزکاری بندگانم نبود از آسمان یک قطره باران نازل نکرده و حتی یک برگ سبز نمی رویانیدم.

با توجه به اینکه مصداق تام و تمام بنده خالص، وجود مقدس حضرت حجت است، ارزش بندگان صالح و عاشقان امام نیز روشن می شود.

روایت سوم: چگونگی حضور امام در میان اهل زمین

امام زمان علیه السلام در میان ما و در جمع ما رفت و آمد دارد. مولای متقیان علی علیه السلام در این باره می فرماید: هنگامی که امام غایب از نسل من از دیده ها پنهان شود و مردم با غیبت او از حدود شرع بیرون روند و توده مردم خیال کنند که حجت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است. سوگند به خدای علی، در چنین روزی حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و در خانه های آنها وارد می شود و بر اجتماعات آنها وارد می شود و سلام می کند. او مردم را می بیند ولی مردم تا روز معین و وقت مقرر او را نمی بینند، تا جبرئیل میان آسمان و زمین بانگ برآورده و ظهور را اعلام کند.

روایت چهارم: حاضر است و ظاهر نیست.

تو را غایب نامیده‌اند چون «ظاهر» نیستی نه اینکه «حاضر» نباشی، غیبت به معنی «حاضر نبودن» تهمت ناروایی است که به تو زده‌اند و آنان که بر این پندارند فرق میان «ظهور» و «حضور» را نمی‌دانند. آمدنت که در انتظار آنیم به معنای «ظهور» است نه «حضور» و دلشدگانت که هر صبح و شام تو را می‌خوانند، «ظهورت» را از خدا می‌طلبند نه «حضورت» را، وقتی ظاهر می‌شوی همه انگشت حیرت به دندان می‌گزند و با تعجب می‌گویند که تو را پیش از این هم دیده‌اند و راست می‌گویند، چرا که در میان مایی، زیرا امام مایی.

روایت پنجم: حال و روز مؤمنان در عصر غیبت

می‌گویند مؤمن در عصر غیبت، غصه‌ی مرگ می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه وءاله فرمود: در عصر غیبت قلب مؤمن در درون خود آب می‌شود. آنچنان که نمک در آب ذوب می‌شود... زیرا منکرات را می‌بیند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارد. مؤمن در میان آن‌ها با ترس و لرز راه می‌رود، اگر حرف بزند او را می‌خورند و اگر ساکت بماند غصه مرگ می‌شود.

روایت ششم: تعبیر سوره عصر

همانا تعبیر سوره‌ی عصر به حضرت حجت اشاره دارد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: سوگند به عصر یعنی سوگند به عصر قیام حضرت مهدی علیه‌السلام که انسان در زیانکاری و خسران است. یعنی دشمنان ما، در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار نیک انجام داده و یک دیگر را در دوران فترت و (غیبت) به حق سفارش کرده و به صبر و پایداری توصیه کردند.

روایت هفتم: دو فضیلت از امام عصر علیه السلام

در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان علیه السلام می‌گوییم السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب. در این قسمت از زیارت اشاره به دو صفت از صفات ممتاز امام شده است و آن دو صفت عبارت است از: عَلم منصوب، عَلم مصبوب. علم منصوب یعنی امام علم منصوب است و ناصبش خداست، خدا این علم، این نشانه، این میزان، این معیار، این هادی و رهنما و الگو را نصب کرده و برافراشته و در یک کلام، امامت انتصابی است و انتخابی نیست. و از اینکه به لفظ مفرد آمده استفاده‌ی حصر می‌شود که در هر عصر جامع جمیع شؤون امامت منحصر به فرد است و بر حسب آیات کریمه و احادیث متواتره ثابت است که زمین از این علم منصوب هیچگاه تا قیامت خالی نخواهد بود.

و اما علم مصبوب (صب) به معنای ریزش و بارش از بالا به پایین، اشاره به مقام عالی علم امام علیه السلام است. علوم الهیه لدنی که از مقام رفیع حضرت علامّ الغیوب جل اسمه بر قلب مبارک امام علیه السلام ریزش یافته و باریده است و همواره نیز در ریزش و بارش است.

این دو لقب مقدس هر یک اشاره به شأنی از شؤون ظاهریه و باطنیه امام است که اِتّصاف امام به هریک از این دو صفت در ارتباط با دیگری است بلکه صفت دوم مثل اصل و صفت اول مثل فرع است، یعنی علم مصبوب کسی است که علمش مصبوب و لدنی باشد. امام علیه السلام در رتبه، پیش از آنکه علم منصوب باشد، علم مصبوب است. علم مصبوب یعنی امام یکپارچه علم است، نه عالم. فریاد «سلونی قبل ان تفقدونی» از علم مصبوب مایه می‌گیرد نه عالم. و خلاصه امام علیه السلام، علم مصبوب و یکپارچه علم است.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد

روایت هشتم: از ماست که برماست.

امام صادق علیه السلام فرمود: دشمنان او عبارتند از مقلدین از فقها و مجتهدین که می‌بینند او بر خلاف فتوای امامشان داوری می‌کند، و اگر شمشیر در دست امام زمان روحی فداه نبود، فقها فرمان قتل آن حضرت را صادر می‌کردند ولی شمشیر برنده و دست بخشنده‌ی ظهور، کاری می‌کند که آنان از روی ترس و طمع از امام علیه السلام اطاعت می‌کنند و بدون اینکه در دل باور کنند، حکم او را می‌پذیرند و خلاف آن را در دل پنهان می‌کنند، آری هنگامی که او خروج کند دشمن شناخته شده‌ای جز فقها ندارد. اما او و شمشیر برادرند. آری از ماست که برماست...

هر کس به طریقی دل ما می‌شکند بیگانه جدا، دوست جدا می‌شکند

بیگانه اگر می‌شکند، حرفی نیست من در عجبم دوست چرا می‌شکند

روایت نهم: برای سلامتی امام دعا کنیم.

امام زمان که قطعاً بیمه خداست و در کنف حمایت او و از هر گزندى محفوظ. دیگر دعا و صدقه برای سلامتی وی چه معنایی دارد؟! بیمه خدا بودن درست و به جای خود؛ و کسی منکر آن نیست. اما چون وی بیمه خداست، نتیجتاً آدمی بی تفاوت است؟! که با دیدن این همه بی عدالتی‌ها و بدبختی‌ها و مظالم در جهان، اصلاً رنجی نبرده و نمی‌برد؟! و به اصطلاح مردی آهنین است و جنایات روزمره، کمترین تأثیری در روحیه او نمی‌گذارد؟! چنین دیدگاهی هرچه سریع‌تر نیاز به مداوا دارد. امامان ما نسبت به شیعیان‌شان از پدر و مادر دلسوزتر و مهربان‌تر هستند. امام صادق علیه‌السلام به یکی از شیعیان‌شان فرمودند: قسم به خدا، همانا من نسبت به شما از خودتان نسبت به خودتان مهربان‌ترم. در این رابطه امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: هیچ یک از شیعیان ما بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما هم به سبب بیماری او بیمار می‌شویم و غمگین نمی‌شود مگر آنکه به خاطر غم او، ما هم غمگین می‌شویم و شاد نمی‌شود مگر آنکه به شادی او، ما هم شادمان می‌شویم و هیچ یک از شیعیان ما هرجا که باشد، در غرب و شرق زمین، از ما پنهان نیست و اگر یکی از آنها پس از مرگش بدهکار باشد، بدهی او بر عهده ماست.

غم و غصه‌های امت، امام علیه‌السلام را غمناک می‌سازد و آنقدر این ارتباط روحی از جانب امام نسبت به شیعیان قوی است که حضرت در بیماری آنها بیمار می‌شوند و آنچنان احساس مسئولیت حضرت نسبت به دوستان‌شان شدید است که بدهی آن‌ها را برعهده خودشان می‌دانند. از حدیث شریف به صراحت استفاده می‌شود که حال و روز شیعیان در هر کجا که باشند، از چشمان مبارک امامشان پنهان نیست. بنابراین هرچند شخص امام در هنگام غیبت از دیدگان شیعیان پنهان است ولی این پنهانی مانع آگاهی و اطلاع امام از وضعیت شیعیان نمی‌شود و حضرت در هر کجای زمین باشد، بر جریان زندگی همه مردم نظارت دارند؛ و نسبت به مؤمنان احساس مسؤولیت خاصی می‌کنند که باعث می‌شود غم‌های آنها، ایشان را غمگین سازد. یکی از مهم‌ترین ابعاد گرفتاری‌های شخصی امام عصر علیه‌السلام در این زمان مشکلات و رنج‌های شیعیان است. از طرفی رنج انسان به دیدن این جنایات بستگی به مقدار ایمان دارد. هر قدر ایمان انسان زیادتر باشد، رنجش بیشتر است و چون حضرت امام عصر مظهر و مصداق کمال ایمان است، قطعاً رنجش بیشتر است و برخلاف ما، تمام جنایات و رنج‌ها را در گوشه و کنار جهان می‌بیند. ایشان به شیخ مفید چنین فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم؛ هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.

آیا این رنج‌ها و غم‌ها بر قلب مقدس امام عصر اثرگذار نیست؟! آیا دعا لازم ندارد که امام از رنج و غمی که بر ایشان وارد می‌شود محفوظ شوند؟

منابع:

۱. فاضلی، ن. "لذت گفت و گو با امام زمان". مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲. محسنی کبیر، ذ. "گفت و شنود پیرامون موعود". جلد سوم، انتشارات لوح محفوظ، چاپ اول، ۱۳۸۷.